

زبان انگلیسی

پُر آمہزے

کتاب‌های کوچک • تمرین‌های بزرگ

# Pieceless Stones

سنگ‌های بی‌قیمت

کیوان نظری عدلے



● In the name of God

زبان انگلیسی  
پُرآموزے

کتاب‌های کوچک • تمرین‌های بزرگ

Pficeless  
سنگ‌های بی‌قیمت  
Stones

---

حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد و هر گونه استفاده به هر شکلی بدون اجازه کتبی ناشر،  
خلاف انسانیت است.

---

مرکز پخش: تهران، فلکه چهارم تهرانپارس، خیابان شهید زین‌الدین، نبش کوچه شهید مظفری،  
پلاک ۱۰۱۲، طبقه دوم، موسسه علمی فرهنگی پُرآموزی

تلفن: ۷۷۳۷۱۷۱۳ - ۷۷۰۵۶۵۳۹ - ۷۷۰۶۵۴۳۴

## به نام دوست

مجموعه‌ی «کتاب‌های کوچک، تمرین‌های بزرگ» برگرفته از کلیپ‌ها و نوشته‌های متنوع و باارزشی است که هم می‌توانند درک زبان انگلیسی ما را متحول کنند و هم عمق اندیشه‌ورزی ما را. این مجموعه، خواننده (پُرآموز) را در مسیری اندیشه‌ورزانه تشویق به استفاده و به کاربردن آموخته‌های زبان انگلیسی‌اش می‌کند و در مسیر مقایسه‌ی ثمره‌ی تلاش خود با آنچه در اصل گفتار یا نوشتار بومی مطلب وجود دارد، دانش او را به علمی عملی و همراه تبدیل می‌نماید.

هر چند این مجموعه برای کلیه زبان‌آموزان و علاقه‌مندان به زبان انگلیسی کاربردی است اما پُرآموزانی که در کلاس‌های حضوری موسسه پُرآموزی شرکت جسته‌اند درک عمیق‌تری از مفاهیم علایم خاص به کار رفته در متن کتاب خواهند داشت و همچنین از فرصت بحث و بررسی نکات تکمیلی و جذاب هر کتاب، در کلاس‌های حضوری مربوطه برخوردار هستند. در خاتمه خداوند را سپاس می‌گویم که توفیق انجام این مهم را به ما عنایت نمود و از عزیزانی که علاوه بر سهم دوستی و همراهی، در تخصص‌های زیر یاریم کردند کمال تشکر را دارم:

امیر یعقوب، طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی

بنیامین احمدی سنگاچین، تدوین فیلم

گلبو فروزان، ویراستاری ترجمه

و همچنین سر کار خانم الهام کبودی که موجبات انتشار این کتاب را فراهم نمودند.

علاقه مندان به کسب اطلاعات در خصوص روش  
ابداعی و خلاقانه یادگیری زبان انگلیسی و کلاس‌های  
حضوری پُرآموزی می‌توانند با شماره های زیر تماس  
گرفته و یا از طریق وب سایت، تلگرام و اینستاگرام،  
پُرآموزی را دنبال نمایند:



۷۷ ۳۷ ۱۷ ۱۳- ۷۴۴ ۵۵ ۲۰۰



[www.poramoozi.me](http://www.poramoozi.me)



@poramoozi



@poramoozi

**A** 'tærdzomə

یہ روز یہ پسر خردسال از پدرش پرسید کہ ارزش زندگی چیه (چقدره)؟

ترجمہ من:



بہ جای پاسخ دادن، پدر بہ پسرش گفت کہ این تکہ سنگ رو بگیر و ببر تو بازاری بفروشش.  
اگر کسی قیمت پرسید دو انگشتتو بلند کن و چیزی نگو.

پسر بعدش رفت بہ بازار و خانمی پرسید: «این سنگ چنده؟ می خوام بذارمش داخل باغم.»

پسر چیزی نگفت و دو انگشت بالا برد و خانم گفت: «دو دلار؟ می گیرمش.»

پسر رفت خونہ و بہ پدرش گفت: «یہ خانم می خواد این تکہ سنگ [با (بہ ازای)] ۲ دلار  
بخره.»

***One day a young boy asked his father what is the value of his life.***

wλn deɪ ə jʌŋ bɔɪ æskt hɪz 'fɑðər wɒt ɪz ðə 'væljʊ əv hɪz laɪf.

***Instead of answering, the father told his son to take this rock and go sell it at a market. If anybody asks the price, raise two fingers and don't say anything.***

ɪn'stəd əv 'ænsərɪŋ, ðə 'fɑðər təʊld hɪz sʌn tu teɪk ðɪs ræk ænd goʊ səɪ ɪt æt ə 'mɑrkət. ɪf 'enɪbədɪ æskz ðə praɪs, reɪz tu 'fɪŋgəz ænd doʊnt seɪ 'eni, θɪŋ.

***The boy then went to the market and a woman asked, “How much is this rock? I want to put it in my garden.”***

ðə bɔɪ ðen went tu ðə 'mɑrkət ænd ə 'wʊmən æskt, "haʊ mʌtʃ ɪz ðɪs ræk? aɪ wʌnt tu pʊt ɪt ɪn maɪ 'gɑrdən."

***The boy didn't say anything and raised up two fingers and the woman said, “2 dollars? I'll take it.”***

ðə bɔɪ 'dɪdənt seɪ 'eni, θɪŋ ænd reɪzd ʌp tu 'fɪŋgəz ænd ðə 'wʊmən seɪ, "tu 'dɒlərz? aɪl teɪk ɪt."

***The boy went home and told his father, “A woman wants to buy this rock for 2 dollars.”***

ðə bɔɪ went hoʊm ænd təʊld hɪz 'fɑðər, "ə 'wʊmən wʌnts tu baɪ ðɪs ræk fɔr tu 'dɒlərz."



پدر سپس گفت: «پسر، می‌خوام این تکه سنگ ببری به یه موزه. اگر کسی خواست  
 بخرتش کلمه‌ای نگو و فقط دو انگشت رو بالا بگیر.»

پسر بعدش رفت به موزه و مردی خواست تکه سنگ بخره. پسر بدون این‌که چیزی بگه  
 فقط دو انگشت رو بالا گرفت. و مرد گفت: «۲۰۰ دلار؟ می‌گیرمش.»

پسر شوکه (شده) بود و دوان دوان رفت خونه و به پدرش گفت: «مردی می‌خواه این تکه  
 سنگ رو ۲۰۰ دلار بخره.»

پدرش سپس گفت: «پسر(م)، آخرین جایی که (ازت) می‌خوام این تکه سنگ رو(به آنجا)  
 ببری یه مغازه‌ی سنگ‌های قیمتی‌ه. به صاحب مغازه نشونش بده و کلمه‌ای(چیزی) نگو و  
 اگه قیمت رو پرسید فقط دو انگشت رو بالا بگیر.»

***The father then said, “Son, I want you to take this rock to a museum. If anybody wants to buy it doesn’t say a word and just put up two fingers.”***

ډه 'faðər ðen sɛd, “sʌn, ai want ju tu teɪk ðɪs rak tu ə mju'ziəm. ɪf 'enɪbədi wants tu baɪ ɪt 'dʌzənt seɪ ə wɜrd ænd ɟʌst pʊt ʌptu 'fɪŋgərz.”

***The boy then went to the museum and a man wanted to buy the rock. The boy didn’t say a word and just put up 2 fingers and the man said, “\$200? I’ll take it.”***

ډه bɔɪ ðen went tu ðə mju'ziəm ænd ə mən 'wʌntəd tu baɪ ðə rak. ðə bɔɪ 'dɪdənt seɪ ə wɜrd ænd ɟʌst pʊt ʌp tu 'fɪŋgərz ænd ðəmən sɛd, “tu 'hʌndrəd 'dælərz? aɪl teɪk ɪt.”

***The boy was shocked and went running home and told his father, “A man wants to buy this rock for \$200.”***

ډه bɔɪ wʌz ʃʌkt ænd went 'rʌnɪŋ hoʊmænd toʊld hɪz 'faðər, “ə mən wants tu baɪ ðɪs rak fɔr tu 'hʌndrəd 'dælərz.”

***His father then said, “Son, the last place I want you to take this rock is to a precious stone store. Show it to the owner and don’t say a word, and if he asks the price just put up two fingers.”***

hɪz 'faðər ðen sɛd, “sʌn, ðə læst pleɪs ai want ju tu teɪk ðɪs rak ɪz tu ə 'preʃəs stəʊn stɔr. ʃəʊ ɪt tu ði 'oʊnər ænd daʊnt seɪ əwɜrd, ænd ɪf hɪ æskz ðə praɪs ɟʌst pʊt ʌp tu 'fɪŋgərz.”

پسر سپس رفت به یه فروشگاه سنگ‌های قیمتی؛ تکه سنگ رو به صاحب مغازه نشون داد.

«این سنگ کجا پیدا کردی؟ این یکی از کمیاب‌ترین سنگ‌های (توی) دنیاست. باید داشته باشمش! چند (به ازای چقدر) می‌فروشیش (ممکنه بفروشیش)؟»

پسر دو انگشت رو بالا گرفت و مرد گفت: «دویست هزار دلار می‌خرمش.»

پسر (درحالی‌که) نمی‌دونست چی بگه (تا) خونه دوید پیش پدرش.

«پدر، مردی هست که می‌خواد سنگ رو دویست هزار دلار بخره!»

*The son then went to a precious stone store; he showed the rock to the owner.*

ðə sʌn ðɛn went tu ə 'prɛʃəs stəʊn stɔː; hi ʃəʊd ðə rɒk tu ði 'əʊnə.

***“Where did you find this stone? It is one of the most rarest stones in the world. I must have it! How much would you sell it for?”***

ˈwɛr dɪd ju faɪnd ðɪs stəʊn? ɪt ɪz wʌn əv ðə maʊst 'rɛərəst stəʊnz ɪn ðə wɜːld. aɪ mʌst hæv ɪt! haʊ mʌʃ wʊd ju sɛl ɪt fɔːr?”

***The boy put up two fingers and the man said, “I’ll take it for \$200,000.”***

ðə bɔɪ pʊt ʌp tu 'fɪŋgəz ænd ðə mən seɪd, “aɪ teɪk ɪt fɔːr tu 'hʌndrəd 'θaʊzənd 'dɒlərz.”

***The boy not knowing what to say ran home to his father.***

ðə bɔɪ nɒt 'nəʊɪŋ wɒt tu seɪ ræn hoʊm tu hɪz 'fɑːðə.

***“Father, there’s a man that wants to buy the stone, for two hundred thousand dollars!”***

ˈfɑːðə, ðɛrz ə mən ðæt wʌnts tu baɪ ðə stəʊn, fɔːr tu 'hʌndrəd 'θaʊzənd 'dɒlərz!”

پدرش سپس گفت: «پسر(م)، حالا می دونی ارزش زندگی چیه (چقدره)؟ می بینی که مهم نیست (فرقی نداره) که از کجا اومدی (اهل کجایی)، کجا به دنیا اومدی، رنگ پوستت (چیه؟) یا (اینکه) تو چقدر پول به دنیا اومدی (مقدار پولی که تو زندگیت داشتی).

.....

.....

.....

مهم اینه که تصمیم می گیری کجا خودتو قرار بدی (چه نقطه ای رو واسه بودن انتخاب می کنی) - آدمایی که دور خودت جمع می کنی - و چطور انتخاب می کنی که خودتو بکشی (حمل کنی)؟ (چطور خودت رو انتخاب می کنی؟-چطور چگونه بودنت رو انتخاب می کنی؟)

.....

.....

.....

ممکنه کل زندگیتو با فکر این که (درحالی که فکر می کردی) یه سنگ ۲ دلاری هستی زندگی کرده باشی (گذرونده باشی).

.....

.....

.....

***His father then said, “Son, do you know the value of your life now? You see it doesn’t matter where you come from, where you were born, the color of your skin or how much money you were born into.***

hɪz 'fɑðə ðen seɪd, “sʌn, du ju noʊ ðə 'vælju ʌv juə lɑɪf naʊ? ju si ɪt 'dʌzənt 'mætə wɛr ju kʌm frʌm, wɛr ju wɜr bɔrn, ðə 'kʌlələv juə skɪn ɔr haʊ mʌʃ 'mʌni ju wɜr bɔrn 'ɪntu.

mən wʌnts tu baɪ ðɪs rʌk fɔr tu 'hʌndrəd 'dʌlərz.”

***It matters where you decide to place yourself -the people you surround yourself with- and how you choose to carry yourself.***

ɪt 'mætərz wɛr ju ,dɪ'saɪd tu pleɪs jər'self -ðə 'pɪpəl ju sə'raʊnd jər'self wɪð-ænd haʊ ju tʃuːz tu 'kæri jər'self.

***You may have lived your whole life thinking that you were a \$2 stone.***

ju meɪ hæv lɪvd juə hoʊl lɑɪf 'θɪŋkɪŋ ðæt ju wɜr ə tu-'dʌlə stəʊn.

ممکنه کل زندگیتو احاطه شده توسط آدمایی (در میان کسانی) که ارزشتو فقط دو دلار می بینن زندگی کرده باشی. (درحالی که آدمهایی دورت رو گرفتند که ...)

اما هرکسی یه الماس درونش داره. و ما می تونیم انتخاب کنیم (اختیار این رو داریم که که اطرافمون رو با آدمایی پُر کنیم که ارزش ما و الماس وجودمون رو می بینن. (آدمهایی که ارزش ما و الماس درونمون رو می بینند دور خودمون جمع کنیم.)

می تونیم انتخاب کنیم (این انتخاب رو داریم که) خودمون (الماس وجودمان رو) تو یه بازار بذاریم یا خودمون (الماس وجودمان رو) تو یه مغازه ی سنگ های قیمتی بذاریم.

و همچنین امکان این انتخاب رو داریم که ارزش دیگران (ارزش درون آدمای دیگه) رو ببینیم. می تونیم به آدمای دیگه کمک کنیم الماس درونشون (نهفته در وجودشون) رو ببینن.

***You may have lived your whole life surrounded by people that saw your worth for only \$2.***

ju mei hæv livd juer houɫ laif sə'raundəd bɑr 'pi:pəl ðæt sɔ juer wɜrθ fɔr  
'ounli tu 'dælɜz.

***But everybody has a diamond inside of them. And we can choose to surround ourself with people that see our value and see the diamond inside of us.***

bʌt 'ɛvri,bɑdi hæz ə 'dɑɪmænd ɪn'saɪd ʌv ðem. ænd wi kæn tʃuz tu sə'raʊnd  
aʊər'self wɪð 'pi:pəl ðæt si 'aʊər 'vælju ænd si ðə'dɑɪmænd ɪn'saɪd ʌv ʌs.

***We can choose to put ourself in a market or put ourself in a precious stone store.***

wi kæn tʃuz tu pʊt aʊər'self ɪn ə 'mɑ:kət ɔr pʊt aʊər'self ɪn ə 'preʃəs stəʊn  
stɔr.

***And you can also choose to see the value in other people. You can help other people see the diamond inside of them.***

ænd ju kæn 'ɔlsəʊ tʃuz tu si ðə 'vælju ɪn 'ʌðər 'pi:pəl. ju kæn help 'ʌðər  
'pi:pəl si ðə 'dɑɪmænd ɪn'saɪd ʌv ðem.



آدم‌هایی که دور خود جمع می‌کنی رو خردمندانه انتخاب کن.

این می‌تونه همه‌ی تفاوت تو زندگیت ایجاد کنه (همه چی تو زندگیت تغییر بده).

تو می‌تونی توسط آدمایی که همیشه ارزش تو رو دو دلار می‌بینن محاط باشی (بگردی)  
[آدمایی که ارزش تو رو دو دلار می‌بینن می‌تونن تو رو دوره کنن] یا می‌تونی انتخاب  
کنی اطراف آدمایی باشی که ارزشت رو دویست هزار دلار می‌بینن.

و بعضی آدم‌ها تو رو بی‌قیمت (نفیس و غیرقابل قیمت‌گذاری) خواهند دانست.

***Choose the people you surround yourself with wisely.***

ʃʊz ðə 'pi:pəl ju sə 'raʊnd jər 'self wið 'waɪzli.

***That can make all the difference in your life.***

ðæt kæn meɪk əl ðə 'dɪfərəns ɪn jʊər laɪf.

***You can be surrounded by people that always see your value of 2 dollars (People that see your value of 2 dollars can surround you).***

ju kæn bi sə 'raʊndəd baɪ 'pi:pəl ðæt 'ɔl,weɪz si jʊər 'vælju əv tu 'dɒlərz  
( 'pi:pəl ðæt si jʊər 'vælju əv tu 'dɒlərz kæn sə 'raʊnd ju).

***Or you can choose to be around people that see your value at \$200,000.***

ɔr ju kæn ʃʊz tu bi ə 'raʊnd 'pi:pəl ðæt si jʊər 'vælju æt tu 'hʌndrəd  
'θaʊzənd 'dɒlərz.

***And some people will see you as priceless.”***

ænd sʌm 'pi:pəl wi:l si ju æz 'praɪsləs.”

مجموعه‌ی «کتاب‌های کوچک، تمرین‌های بزرگ» برگرفته از کلیپ‌ها و نوشته‌های متنوع و باارزشی است که هم می‌توانند درک زبان انگلیسی ما را متحول کنند و هم عمق اندیشه‌ورزی ما را. این مجموعه، خواننده (پُرآموز) را در مسیری اندیشه‌ورزانه تشویق به استفاده و به کار بردن آموخته‌های زبان انگلیسی‌اش می‌کند و در مسیر مقایسه‌ی ثمره‌ی تلاش خود با آنچه در اصل گفتار یا نوشتار بومی مطلب وجود دارد، دانش او را به علمی عملی و همراه تبدیل می‌نماید.



قیمت کتاب همراه با سی‌دی: ۹۵,۰۰۰ ریال

**پُرآموز**  
موسسه علمی فرهنگی  
WWW.PORAMBOZ.IR.COM

۷۷۴ ۵۵ ۲۰۰ • ۷۷۰ ۵۶۵ ۳۹